د) فیلتر روایات تقیه ای توسط علماء شیعه

بعد نکته‌ای می‌گویند که خیلی خوب است. می‌گویند اینکه معصومین فرموده‌اند بعد را بگیر، این برای الآن ما و زمان شیخ مفید نیست. چرا؟ می‌گویند به‌خاطر اینکه یک زمانی‌که روایات هر دو طرف وسیع بوده و... . می‌گویند این روایتی که می‌گوید «ابعدهما من العامه»...؛ تازه زمان شیخ مفید این را می‌گویند. خیلی جالب است. می‌گویند این برای زمان من شیخ مفید که صحبت می‌کنم نیست. این برای زمان خود معصومین است که طرفین روایات به وفور برای شیعه می‌آمد. بعد شیعه هم می‌گفتند این است یا آن است؟ شیخ مفید می‌گویند آن زمان فوج فوج می‌آمد؛ این طرف موافق و آن طرف مخالف. علماء بزرگ شیعه فیلتر کردند و حسابرسی کردند. آن‌هایی که می‌فهمیدند تقیه ای است دیگر نقل نمی‌کردند. آن را کنار می‌گذاشتند. پس این «ابعدهما» برای وقتی بود که طرفین وسیع بوده. اما بعد از اینکه علماء این کار را کردند [دیگر نیست.] الآن هم بعد از ملاحظه همه جهات -اجماع و شهرت - اینکه در همه کتب روایی علماء شیعه پر است از روایات روی‌ت، می‌فهمیم که علماء شیعه در اینها رنگ تقیه ندیده‌اند. این هم نکته ی خیلی مهمی است. اینطور نیست که یک روایت تقیه داشته باشیم و بعداً هم این تقیه بماسد و شیعه متحیر باشد. علماء شیعه، شیعه را متحیر باقی بگذارند. می‌گویند اینطور نیست؛ علماء این همه روایات روی‌ت را می‌دانستند که تقیه ای نیست که این قدر آورده‌اند و طبق آن عمل کرده‌اند. این نکته قشنگ و خوبی است.

شاگرد: بحث در جایی است که روایات عدد و روی‌ت با هم متعارض باشند.

استاد: آن مطلب بعدی است. من عبارت ایشان را می‌گویم. بعد ایشان می‌گویند:

> **و بعد، فإنّ الذي يرد عنهم على سبيل التقيّة لا ينقله جمهور فقهائهم، و يعمل به أكثر علمائهم، و إنّما ينقله الشكّاك من الطوائف، و يرويه خصمؤهم في المذهب، و يرد على الشذوذ دون التواتر. و أخبار الرؤية و العمل بها، و جواز نقصان شهر رمضان قد رواه جمهور علماء الإماميّة، و عمل به كافّة فقهائهم، فاستودعته الأئمّة عليهم السلام خاصّتهم، فدلّ ذلك على أنّه محض الحقّ، و ليس من باب التقيّة في شيء[1]**

«فإنّ الذي يرد عنهم على سبيل التقيّة»؛ آن چه که از اهل البیت علیهم‌السلام بر سبیل تقیه آمد بود و در آن فضا پخش می شده و ایشان گفتند بعد را نگاه کنید، جمهور فقهاء شیعه که نمی‌آیند آن چه که تقیه هست را نقل کنند. می‌فهمیدند که تقیه است. فراموش می‌شد. **«لا ينقله جمهور فقهائهم»؛** جمهور فقهاء آن چیزی که امام علیه‌السلام تقیه فرموده‌اند را ترویج نمی کردند و در تاریخ باقی نمی گذاشتند. بلکه می‌فهمیدند تقیه است. جهت صدورش معلوم بود و کنار می‌رفت.

«و يعمل به أكثر علمائهم»؛ آن چه که تقیه بود را اکثر علماء شیعه به آن عمل می‌کردند؟! این چه حرفی است؟!

«و إنّما ينقلونه»؛ این روایاتی که تقیه ای بود را چه کسانی نقل می‌کردند؟ کسانی که مرام اهل البیت دستشان نبود. بله از ناحیه آنها می‌آمد. ای خود عامه بودند. **«الشكّاك من الطوائف»؛** آن هایی که شک داشتند و نمی‌دانستند و مرام اهل البیت دستشان نبود نقل می‌کردند. **«و يرويه خصمائهم في المذهب»؛** خصماء شیعه نقل می‌کردند و می‌گفتند ببینید امام شما این را گفته است! یعنی راوی اخبار تقیه ای آنها می‌شدند، نه خود علماء شیعه که می‌دانستند اینها تقیه ای است.

شاگرد: به حمل شایع ضد فرمایش ایشان را نتیجه می‌دهد. محدثین شیعه روایات عدد را در غیر باب نوادر به وفور نقل کرده‌اند و به دست ما رسیده است. در زمان ایشان و قریب زمان ایشان و قبل و بعدش وجود داشته. یکی دو روایت هم نیست.

استاد: نه، شما دو حیث را جدا کنید. ایشان الآن نمی‌گویند اخبار عدد رسیده ای نرسیده. الآن می‌گویند اخبار روایت هم به وفور رسیده و هم عمل کرده‌اند، ممکن است علماء شیعه روایتی که تقیه بوده را به‌خاطر عامه به این صورت مخش را بکوبند؟

شاگرد: صدوق از فقها بزرگ شیعه... .

استاد: مگر خود صدوق باب الرویه ندارند؟!

شاگرد: هم این را دارند و هم آن را دارند. در مورد روایات عدد گفته «یتقی کما یتقی من العامه».

استاد: یعنی با اینکه در شب سی ام شعبان ماه را دیده بودند، فردا را روزه می‌گرفتند؟

شاگرد: اینکه چه کار می‌کردند حرف دیگری است.

استاد: پس شما روایات رویت را رد نکنید.

شاگرد: شیخ روایات عدد را رد می‌کنند.

استاد: نه. عبارت را دوباره می‌خوانم؛ **«و بعد، فإنّ الذي يردعنهم على سبيل التقيّة»؛** در بحث ما چه چیزی بر سبیل تقیه وارد شده؟ روایات رویت. بحث ایشان سر ابعد است. **«لا ينقله جمهور فقهائهم»؛** روایات تقیه ای را که علماء شیعه می‌خش را نمی کوبند و مدام نقلش نمی‌کنند. **«و يعمل به أكثر علمائهم»؛** این معنا ندارد. دارند تأیید روایات رویت می‌کنند به اینکه موافقت آن با عامه مضعف آن نیست.

«و أخبار الرؤية و العمل بها، و جواز نقصان شهر رمضان قد رواه جمهور علماء الإماميّة، و عمل به كافّة فقهائهم، فاستودعته الأئمّة عليهم السلام خاصّتهم»؛ یعنی به خود شیعه که خاص ائمه بوده‌اند و می خواستن فقه اهل البیت را بدانند، خود ائمه میخ اینها را کوبیدند. نه اینکه تقیه کرده باشند.

«فدلّ ذلك على أنّه» روایات رویت «محض الحقّ، و ليس من باب التقيّة في شيء»؛ همینطور است. خب اما نسبت به آن روایات چه کنیم؟ ایشان تضعیف سندی کرده‌اند و امثال آن.

شاگرد: وقتی نسبت به خلفاء مدحی شده باشد، ابعدیت صفر است. ما آنها را قبول نداریم که بخواهیم بگوییم تقیه ای است.

استاد: من یک موردش را بگویم. در نامه‌ای که حضرت سید الشهداء علیه‌السلام به اهل بصره دارند، در کتب اهل‌سنت آمده، تاریخ طبری آن را آورده است. با اینکه در آن تقیه است اما لحن روایت ملائم است. هم به آنها اداری گرفته‌اند و هم بر آنها ترحم کرده‌اند. ذو جهت است. ابن کثیر چه می‌گوید؟ وقتی می‌بیند در آن ترحم است، خوشش می‌آید. اما در طرف دیگر که آن حرفها است، می‌گوید در بخشی از این نامه شیعه دست برده است. البدایه ابن کثیر را نگاه کنید. می‌گوید شیعه در آن دست برده است. جایی که حضرت می‌فرماید اینها حق ما را بردند، ابن کثیر می‌گوید شیعه اینها را گذاشته است. می‌خواهم بگویم خود روایات ذو وجوه است. اینطور نیست چون در بخشی از آنها ترحم کرده‌اند، بگوییم در جای دیگر که مطلب دیگری را می‌گویند خلاف‌کار است.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] رؤیت هلال، ج۱، ص: ۱۴۸

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 11:34:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 11:39:26 توسط ... .